



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و ششم، سال ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mh>



مقاله پژوهشی

معرفی و بررسی رساله عرایس الجواهر و نفائس الاطایب از دیدگاه طب سنتی

سیده مریم پور صالح امیری*^۱

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران.

چکیده

زمینه و هدف: رساله عرایس الجواهر و نفائس الاطایب از رساله‌های ارزشمند قرن هفتم هجری قمری می‌باشد که شهرت تامی در بین رساله‌های علوم و فنون زمان خویش یافته است. این رساله با پرداختن به سه موضوع احجار، اطایب و کاشیگری حاوی موضوعات متنوع و متفاوتی می‌باشد که آن را مفترق از رساله‌های طبی ساخته است. با توجه به ابعاد طبی رساله که تاکنون مورد نظر قرار نگرفته، این پژوهش بر آن است تا به معرفی، تحلیل، استنتاج و تقسیم‌بندی کلیات طبی از این رساله بپردازد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به مقایسه رساله عرایس با مهم‌ترین رساله‌های احجار و عطرنامه‌های پیش از آن پرداخته، سپس به تحلیل و تجزیه هر بخش و استنتاج یافته‌ها پرداخته است.

یافته‌ها: در هر دو قسم رساله؛ احجار (سنگ‌ها) و اطایب (عطرها) پس از معرفی و ذکر خصوصیات به بیان خواص طبی بر اساس فلسفه طبیعیات و منطق که بنیان طب سنتی می‌باشد پرداخته شده است. نیز باورهای عامیانه طبی از بخش‌های قابل توجه در این رساله می‌باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به مباحث رساله می‌توان سه رویکرد طبی؛ درمانگری بر اساس طب سنتی، باورهای عامیانه طبی و خواص جادودرمانی احجار، فلزات و اطایب را بر اساس ارائه شواهدی از نسخه عرایس الجواهر دریافت. تناسب رویکردهای مزبور با نحوه به‌کارگیری احجار از نتایج دیگر این تحقیق می‌باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۳

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۱/۲۳

واژگان کلیدی:

عرایس الجواهر

احجار

اطایب

طب سنتی

باورهای عامیانه طبی

* نویسنده مسؤول: سیده مریم پور صالح امیری

آدرس پستی: تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان شانزدهم، پردیس دانشگاه تهران، موزه ملی تاریخ علوم پزشکی.

پست الکترونیک:

Maryamamiri867@gmail.com

مقدمه

کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله ابن علی بن محمد القاشانی المورخ به سال ۷۳۸ هجری قمری در باب شناخت و معرفت انواع احجار و معرفی نفیس‌ترین عطرها و فنون کاشیگری است. گوهرها یا احجار کریمه گروهی از معدنی‌جات می‌باشند که به سبب کمیاب بودن، رنگ‌های خوش و درخشان و خواص منحصر به فرد دارای اهمیت و اعتبارند. بدین سبب علم‌المعادن نیز از علوم قدیمه، تحت علوم طبیعی در رسائل نخستین دوران اسلامی لحاظ گردیده است. قدرت جادوانه شفابخشی گیاهان نیز از ارکان حیاتی بود که آنها را مبدل به عنصری یگانه در زندگی انسان ساخت تا آنجا که هر روز بیشتر از آن منتفع می‌گردید، خواه در هیأت دارو و خواه در قالب اطایب. از دیرباز استفاده از عطرها و بخورات جهت مراسم و آیین‌ها در مشرق‌زمین مرسوم بود و در فرهنگ عام، بوی خوش و عطر زدن نیز از دلایل ثروت و نجیب‌زادگی محسوب می‌شد. «قدمای هر یک از گوهرها و عطرها خواص طبی مهم و متعدد قائل بوده‌اند. خصوصاً عزت و قیمتشان از این لحاظ بوده است که آنها را در علاج صاحبان امراض مختلف شفای بیماری‌ها و حالات روحی مؤثر می‌دانسته‌اند و همراه داشتن یا بر خود مالیدن یا بوییدن عده‌ای از آنها را دافع مالیخولیا و دافع جن و شیطان و سبب بازآمدن خواب آرام و قوت یافتن دل می‌شمرده‌اند» (۱).

ارزش و اهمیت احجار و اطایب تا بدان پایه بوده است که نه‌تنها در تک‌نگاری‌ها چون گوهرنامه‌ها یا رسائل به آن پرداخته شده بلکه از مهم‌ترین مباحث طبی و پزشکی در کتب مفرده و قرابادین می‌باشد. «در قرن چهارم، شعیا بن فریغون معرفت جواهر را در دو بخش جواهر سفلی و جواهر علوی، یکی از فروع فلسفه طبیعی دانسته و آنها را در کنار دانش پزشکی آورده است» (۳ و ۲). با توجه به اشتراکات فلسفه طبیعیات به عنوان شالوده مشترک علم پزشکی با دیگر علوم، تشابهاتی بین این آثار دیده می‌شود که سبب گشته خواص دارویی کانی‌ها نه‌تنها در کتاب‌های احجار بلکه توسط اطباء

بخش قابل توجهی از کتب پزشکی را به خود اختصاص دهد. همچون: مفردات ذخیره خوارزمشاهی، مخزن‌الادویه، جامع‌الاشیاء و حشایش دیسکوریدوس که نزدیک به یکصد کانی را شرح داده است. بدین جهت طبیب حاذق، گوهرشناس و عطار ماهری بوده است مضاف بر آنکه گوهرشناسی و عطاری دو حرفه فخیم در دوران قدیم بوده‌اند.

نیز احجار و اطایب از توابع جدی در علوم صناعات، کیمیا و اکسیر محسوب می‌گردند. «حد فاصل و وجه فارق این‌گونه آثار با تألیفاتی که در زمره آثار کیمیایی قرار می‌گیرند، توجه به کیفیت کانی‌ها و سنگ‌های قیمتی (جواهرات) و خواص درمانی آنها در کانی‌شناسی و توجه به چگونگی احتمالی ایجاد دگرگونی‌های کیفی مواد در کیمیا (علم‌السحر) است.» (۳).

«در پزشکی نوین نیز علم سنگ‌درمانی یکی از رشته‌های طب مکمل معرفی شده است و در درمانی‌های طبیعی کاربرد دارد. به گواهی اهل فن، سنگ‌ها دارای خواص مغناطیسی و درمانی‌اند و در طب مکمل و نوین از نور و اشعه آنها در درمان استفاده می‌شود» (۴). همچنین «رایحه درمانی نوین در آغاز قرن اخیر و با پژوهش‌های شیمی‌دان فرانسوی، گاتفوسه^۲ ایجاد شد. این شیمی‌دان فرانسوی طی یک رویداد تصادفی در آزمایشگاه بر اثر شفابخشی قوی اسانس اسطوخدوس در بهبود سوختگی دستش پی برد» (۵ و ۱۶). از آن زمان تاکنون رایحه‌درمانی در کشورهای غربی مورد توجه قرار گرفته است.

رساله عرایس الجواهر و نفایس الاطایب را گرچه نمی‌توان رساله‌ای پزشکی محسوب کرد اما حاوی داده‌ها و مطالب بسیاری در حوزه پزشکی سنتی می‌باشد که از کتب معتبر پیش از خود استنساخ شده است. تاکنون این رساله در دسترس و نظرگاه هنرمندان قرار داشته و از جنبه‌های طبی به آن توجهی صورت نگرفته است. این تحقیق ضمن معرفی این

۱. Aromatherapy؛ درمان با استفاده از بو و عطر.

۲. R. M. Gattefosse

تینایی می‌باشد. در مقاله سوم از این کتاب به طبایع چهارگانه در پیدایش معادن پرداخته است (۶) همان‌طور که در آغاز عرایس الجواهر و بسیاری دیگر از جواهرنامه‌ها به تولد و تکون سنگ‌ها اشاره شده است. کتاب دیگر، الاحجار ارسطوست که در ۶۰۰ میلادی به سریانی وجود داشته است. در دوره اسلامی جابر بن حیان (ح ۱۰۳ق) نخستین نامی است که کتاب‌هایی با نام «کتاب الاحجار» (۸و۷) و «کتاب المعدن» (۸و۷) از او در دست است. در ابتدایی‌ترین آثار دوره اسلامی نقش عناصر معدنی کمابیش در کیمیاگری پررنگ بوده و از آن جهت کتب جواهر و معادن با رویکرد کیمیاگری نوشته می‌شد. «الجواهر والاحجار و منافع الاحجار» نوشته عطارد بن محمد حاسب (۲۰۶ ق) و «خواص الاحجار» اثر حنین بن اسحاق العبادی پزشک مشهور (متوفی در ۲۶۱ ق) از آن جمله‌اند. همچنین نسخه سفینه تبریز محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۵۹۰ حاوی ۲۰۹ رساله در باب علوم مختلف، در قرن هشتم هجری توسط ابوالمجد تبریزی با هدف احیای آثار در معرض نابودی، گردآوری و کتابت شده است. شامل عناوینی چون: خواص معادن کانی، خواص معطرات، خواص الاحجار و غیره است. در بخش «خواص الاحجار و غیره رساله‌ای فارسی در باب شیوه تشکیل، خواص طبی و جادویی هفتادوپنج سنگ و گوهر موجود در طبیعت» (۹) نشان از اهمیت مبحث سنگ‌ها در علوم خفیه دارد.

مهم‌ترین جواهرنامه دوره اسلامی کتاب «الجواهر فی الجواهر» بیرونی است که در سه فصل به نگارش درآمده: فصل اول درباره جواهر، فصل دوم درباره فلزات و فصل سوم در مورد معمولات و ممزوجات. گویا بر همین منوال تمام جواهرنامه‌ها از فصول مشابهی تشکیل شده‌اند و به مرور تکامل یافته و مباحث جدیدی از این فن به آنها افزوده شده است. اهمیت جواهرنامه

پرداخته شده است. مقاله سوم این کتاب به «علل المعادن» اختصاص دارد که خواص انواع معدنیات را بر پایه طبایع اربعه ذکر می‌کند.

رساله به پژوهشگران حیطه طب سنتی با دیدگاه متدکل‌نگر به مقوله طب سنتی در تاریخ به بررسی و تبیین رساله عرایس الجواهر می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی

در تدوین این پژوهش، اصل امانتداری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

مواد و روش‌ها

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با تکیه بر مطالعه منابع دست اول تاریخی درصدد معرفی یکی از نسخ کهن کمتر شناخته شده با دیدگاه پزشکی برآمده که به همین دلیل به مقایسه رساله عرایس با مهم‌ترین رساله‌های احجار و عطرنامه‌های پیش از آن پرداخته است. پس از گردآوری اطلاعات جامع و خوانش متن به تحلیل و تجزیه هر بخش به‌طور مجزا و استنتاج یافته‌ها از منظر پزشکی دست یافته است.

بحث

۱. قسم اول: احجار و فلزات

پیش از اسلام کتاب‌های بسیاری در مورد احجار تألیف شد که در دوران اسلامی منبعی برای دانشمندان زمان قرار گرفت. یکی از این منابع کتاب «سرالخلقه و صنعه الطبيعیه»^۱ اثر آپولونیوس

۱. «سرالخلقه و صنعه الطبيعیه» یا «کتاب العلل» ترجمه عربی کتابی است که به آپولونیوس تینایی (بلینوس حکیم) یونانی نسبت داده شده است. به سند منابع مکتوب وی در زمان مأمون عباسی می‌زیسته است. جابر بن حیان تعداد قابل توجهی کتاب درباره موضوعات مختلف بر اساس نظر بلینوس نوشته است. برخی محتوای کتاب را شامل مباحث طب و فلسفه و برخی آن را در زمره رساله‌های کیمیاگری می‌شمرند. در نخستین آثار دوره اسلامی در مورد احجار، تحت تأثیر «کتاب العلل» بیشتر به خواص کیمیایی سنگها

رساله عرایس کتابی طبی نیست بنابراین عمده اطلاعات مؤلف در مورد تفصیل ظاهری، فیزیکی و حواشی است. اما در تشریح خواص، مختصراً به طبایع و کارکردهای طبی آنها اشاره نموده است. زیرا به باور مؤلف احجار، «بعضی آن است که زیور و زینت پادشاهان و اشراف می‌سازند چون لوء و یاقوت و لعل و زمرد و فیروزه و بعضی آن است کی سبب اصلاح غذاهاست چون املاح و بعضی سبب دفع امراض انسان است چون توتیا و ائمر و گل ارمنی و مرقشیشا» (۱۲) و هدف از پیدایش گوهرها و اطایب را چنین بیان می‌دارد؛ «کی حق عزوعلا جمله را بیافرید تا از آن فایده گیرند در بدن و احوال خود به کار دارند و از بعضی انتفاع گیرند» (۱۲).

رساله شامل دو قسم، مقالات و ابوابی است. قسم اول در معرفت جواهر و فلزات که شامل سه مقاله؛ حجریات، حجریات متوسط و فلزات هفتگانه است و قسم دوم در معرفت عطر و اطایب که شامل دو مقاله؛ اجناس عطرها و ترکیب و معاجین عطرهاست و بخش خاتمه شامل صنعت کاشیگری.

۲. قسم دوم: اطایب

گیاهان از آغاز تاریخ، در دوره‌ای اسطوره‌ای از انسان جدا نبوده‌اند. در کهن‌ترین اسطوره، گیلگمش^۱ ارزش گیاهان را در الواح رسیدن به جنگل‌های سدر مقدس و به دست آوردن گیاه اعجاز‌آمیز یادآور می‌شود. بلعمی در تاریخش جمشید را با به کار داشتن بوی‌های خوش چون عود و مشک و کافور و عنبر و غالیه توصیف می‌کند (۱۳) و استعمال بخورات و ادخنه در آداب و آیین زرتشتیان تاکنون باقی است. در سده‌های نخستین اسلامی کتب بی‌شماری در خصوص عطر به نگارش درآمده است. از نخستین آنها «العطر والتصعیدات کندی»

بیرونی از آن روست که مبنایی برای تألیف گوهرنامه‌های پس از خود به‌خصوص جواهرنامه نظامی (۵۹۲ق/۱۱۹۶م) شده است. «جواهرنامه نظامی قدیمی‌ترین کتاب به زبان فارسی درباره احجار و معدن‌شناسی از محمدبن ابی‌البرکات جوهری نیشابوری است. این کتاب اساس تألیف تنسوخ‌نامه ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی و عرائس‌الجواهر و نفایس‌الاطایب کاشانی بوده است» (۱۰). «به گفته مؤلف کتاب او ترکیبی است از گفتار حکمای متقدم، تجربه‌های شخصی از پیشینه جواهرسازی و صنعت حکاکی و حکایاتی که مؤلف از معتمدان و تجار شنیده است؛ پس از این حیث که حاوی نکته‌های ابتکاری است، ارزش خاصی دارد. مراد مؤلف از گفتار حکمای متقدم، اقوالی است که معمولاً از کتاب الجواهر بیرونی و کتاب الاحجار ارسطو آورده است» (۱۱). بنابراین می‌توان منبع قسم جواهرکتب عرایس‌الجواهر و بسیاری از جواهرنامه‌های دوران اسلامی را منابع‌الجواهر فی‌الجواهر که در مقدمه و متن کتاب مذکور است دانست.

جواهرنامه نظامی دارای ۴ مقاله است که هر کدام به فصولی تقسیم شده‌اند. مقاله اول: کیفیت مفردات معدنیاتی در ۴ فصل، مقاله دوم: درباره جواهری که از حجر باشد. اشباه و اخبار و حکایات، خواص الاحجار مقاله سوم: در معرفی فلزات و مقاله چهارم: به انواع مینا و فنون شیشه‌گری پرداخته است. با نگاهی کلی به مباحث مقالات می‌توان شباهت‌های این کتاب را با عرایس‌الجواهر دریافت. به جز بخش‌هایی که در همه جواهرنامه‌ها مانند معرفی و حدوث احجار و خواص آنها وجود دارد، مقاله چهارم که مشخصاً به مینا و فنون شیشه‌گری اشاره نموده محتملاً الهام‌بخش فصل خاتمه یعنی کاشیگری وی در کتاب عرائس‌الجواهر بوده است چه بسا ابوالقاسم کاشانی از خانواده‌ای استاد و متبحر در کاشیگری بوده که آثار فاخری در ابنیه از خود بر جای گذارده‌اند. او با تقلید از بخش چهارم جواهرنامه مبادرت به نگارش فنون کاشیگری نموده زیرا که سیره استادان فن آموزش در عمل بود نه ترقیم مهارت.

۱. Gilgamesh؛ در حماسه کهن بین‌النهرینی نام پهلوانی است که در پی یافتن گیاه جاودانگی منزل‌های متعددی را پشت سر نهاد و سرانجام پس از یافتن گیاه معطر در یک لحظه غفلت، ماری گیاه را از وی ربود.

موسوم به «قربادین»، از جمله «قربادین کبیر» اثر حکیم عقیلی خراسانی فصلی به عطریات اختصاص دارد که روش تهیه ترکیبات معطر که عنوان خوشبوکننده دارند ذکر شده است. بخش‌های دیگر به «شمامه و شمو مات» و «لخلخه‌ها» و «اغالی» و بیان انواعشان همراه با کاربرد درمانی و روش تهیه آنها اختصاص دارد» (۱۶).

در «عطرنامه علائی» نیز که نویسنده‌ای ناشناخته دارد به طبیعت آن اشاره نموده و صراحتاً از اقوال کتب طبی نقل نموده است. چنانچه در مورد مشک چینی می‌نویسد: «و گفته‌اند چینی خوردن را نشاید که به غایت مفرحست و حرارت غریزی را پراکنده کند ... و در بعضی از کتب طب آمده است که این مشک از سموم قاتل است و همانا که مقدار بسیار خواسته باشد و علت آنست که گفتیم علماء طب برآنند که این مشک از ادویه قلبی است» (۱۷). با توجه به اینکه نویسنده خود بیان می‌دارد «بر سبیل ترجمه و نقل از زبان تازی به زبان پارسی و اختصار و اندکی از بسیاری» (۱۷) تحریر نموده بنابراین اثر خود را از یک کتاب طبی نسخه‌برداری نموده است. «عطرنامه علائی با رساله ابن مندویه یکسان و با دو رساله دیگر [که همزمان نگاشته شده‌اند یعنی رساله کیسان و خازن] متفاوت است. این نکته نشانه آن است که منبع اصلی مترجم در پدید آمدن عطرنامه علائی رساله ابن مندویه بوده است» (۱۵). در دوره قاجاریه «حاج محمد کریم‌خان رساله مجمره را در یک مقدمه و هفت باب و خاتمه، مورخ ۱۲۷۲ ق تحریر نموده که در آن از عطریات بحث کرده و بیشتر برگرفته از فرهنگ هندی است» (۱۷). در «مجمره» همچون باقی رساله‌ها اطلاعات متنوعی درباره عطرها مفرد، طبایع، ویژگی‌های هر یک، راههای شناخت غش در آن و محل و معادن آنها و نیز دستورات ترکیبی، ساخت و معاجین عطرها مرکب وجود دارد اما علاوه بر این داده‌ها احادیث مربوط به ائمه اطهار نیز بر آن افزوده شده است. در مطالعات طب نوین تأثیرات شگرف رایحه‌درمانی از قرن ۱۸ و ۱۹ به تدریج نمودار گشت. «مطالعات مختلف در مورد رایحه درمانی

(۱۸۵-۲۵۶ ه.ق) است که توسط کارل گاربر در ۱۹۴۸ به شرح آلمانی منتشر شد.

در قرن چهارم هجری پنج رساله: «الطیب»، منسوب به محمد بن الحسن بن ابراهیم خازن، «مختصر فی الطیب» منسوب به سهلان بن کیسان و «فی اصول الطیب و مرکبات العطریه» منسوب به احمد بن محمد بن مندویه، «فی فنون الطب العطر» تألیف ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن ابی‌خالد جزار و «عطرنامه علائی» ترقیم گردید. در رساله‌های مذکور کندی، ابن مندویه، ابن کیسان و ابن جزار هر چهار تن پزشک بوده‌اند. اما از نویسنده «عطرنامه علائی» اطلاعی در دست نیست جز اینکه رساله‌ای است به زبان فارسی درباره عطرناسی که برای «عضدالاسلام علاءالدوله شرف الملوک» نگاشته شده که احتمالاً از حاکمان آل کاکویه باشد (۱۴). در نسخه‌هایی که توسط پزشکان به تحریر درآمده به جنبه‌هایی از اثرات طبی و درمانی رایحه‌ها، معاجین، بخورات و مستعملات اشاره گردیده است مانند: «جواهرالطیب» اثر ابن ماسویه و «فی فنون الطیب و العطر» اثر ابن جزار همواره در معرفی عطرها مفرد به خواص دارویی آنها نیز اشاره شده است. ابن جزار به طبیعت و ابن ماسویه به طبیعت و بدل دارویی هر عطر نیز اشاره کرده است» (۱۵). در کتب دانشمندان بزرگی چون زکریای رازی، گفتار سوم از کتاب «طب المنصوری»، از گیاهان خوشبو و خوشبوکننده‌ها و اثرات درمانی آن و «کتاب «الحوای فی الطب» در حدود ۱۵۰ مورد به داروهای بوییدنی اشاره شده است. نیز در کتاب «قانون فی الطب» اثر مشهور ابن‌سینا فیلسوف و پزشک بزرگ ایرانی حدود ۶۴ مورد داروی بوییدنی در بیماری‌های مختلف اشاره شده است» (۱۶). بخش عمده این داروها در قسم دوم از جلد دوم ترجمه فارسی^۱ کتاب «قانون» که به معرفی ادویه مفرد، انواع، مزاج، خاصیت و اثرات درمانی پرداخته، به تفصیل بیان شده است. در کتب تخصصی داروهای ترکیبی در طب سنتی،

۱. نک: قانون، جلد ۲، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی.

ایجاد صورت‌های گوناگون مواد می‌شود سخن آورده است. همه اجسام چون حجر، فلز و عطر که در کتاب ذکر شده مزوجی از چهار عنصر اربعه‌اند و اشتراکاتی در فلسفه طبیعیات دارند به همین سبب مؤلف به طریق کلی در فصل اول شرح مفصلی در باب معرفت کمیت مرکبات عالم سفلی و امتزاج طبایع تشریح نموده تا خواننده با اشراف به مباحث جامع و اصول منطقی به فهمی دقیق از شکل‌گیری عناصر دست یابد. همه اجسام، حاصل تأثر، تأثیر و فعل و انفعال عناصر اربعه و غلبه عنصری است که سبب کیفیتی خاص در جسم می‌شود. بنابراین اجسام با غلبه ارضیت، هواییت، ناریت و رطوبت قابل تفسیر و توصیف می‌باشند. همان‌گونه که در توضیح احجار و فلزات خاصیت ارضیت غالب و در اطایب خاصیت هواییت غالب بر خواص دیگر است. تشریح این وجوه ممیزه طبیعی به تفسیر روشنی از خواص، خصوصاً منافع طبی می‌انجامد. به همین دلیل طبایع تمامی اجسام در متن کتاب تشریح شده و بر اساس طبایع به ذکر چگونگی تولد و تغییر، الوان، اشباه و خواص پرداخته شده است.

این بخش شامل دو مقاله مجزاست. در مقاله نخست بخش احجار معدنی به تشریح سنگ‌های معدنی و گرانبها اختصاص دارد که با دیدگاهی طبی به این موضوع می‌توان دریافت که برای عموم قابل دسترس نبوده و اختصاصاً ثروتمندان توانایی بهره بردن از آنها را داشته‌اند. در دسترس بودن و «ارزان بودن یک مزیت نسبی مهم در این مکتب طبی است» (۱۸). چنانچه کتاب‌های طبی «داروهای پیش پا افتاده و ارزان، یا روش‌های درمانی کم‌خرج را معرفی نموده است. از قبیل «خیرالتجارب» ... و یا «طب الفقرا» (۱۹). مقاله دوم به جواهرات متوسط اختصاص دارد که در دسترس‌تر و ارزان‌تر از گروه قبل است.

در قسم اول مؤلف به معرفی نه حجر بالرزش، معادن، اشباه، جلا دادن، حکایات و ذکر خواص احجار با رویکردی طبی، تعویذی، طبی - جادویی و فرهنگ عامه پرداخته است. قسم

در تخفیف عوارض بارداری، تسکین درد، کاهش عوارض درمان‌های سرطان، بهبود زخم و مشکلات پوست و مو، کنترل حملات صرع، کاهش مشکلات تنفسی، خواص ضد اسپاسم، کاهش استرس و کاهش آژیتاسیون^۱ انجام شده است» (۲۴). در قسم دوم عرایس نیز مانند قسم نخست مؤلف عطرهای حیوانی، گیاهی و حجری را تقسیم‌بندی نکرده و در دو مقاله؛ ۱. اجناس عطرها و عطرها متوسط، ۲. ترکیب و معاجین عطرها به بیان آنها پرداخته است. باب اول همچون عطرنامه‌های پیشین به اصول و معرفی مفردات چون مشک، عنبر، عود و کافور و مانند بخش احجار باب دوم به عطریات متوسط مانند زعفران، صندل، زباد، لادن و ادویه و افویه پرداخته است. مقاله دوم در ترکیب و معاجین عطرها در ۱۵ باب شامل عنبر و غوالی^۲ و ند^۳ و مخمرات^۴ و بخورات و ذرایر^۵ و به انواع ترکیبات و ممزوج عطریاتی با مناسبات خاص پرداخته است. تقسیم‌بندی باب‌ها و زیرتیترها در این مقاله مربوط به ترکیبات، نوع استعمال آنها، جنسیت زن و مرد، صنوف چون پادشاهان و حکام و روش‌های تقطیر، روغن‌گیری و بخور سوزاندن می‌باشد.

۳. احجار و فلزات در عرایس الجواهر

در مقدمه قسم اول به پیروی از گوهرنامه‌ها در توضیح جایگاه عناصر اربعه و کیفیت، ترکیب و یا تفریق اخلاط که سبب

۱. Agitation؛ آژیتاسیون: سراسیمگی یا بی‌قراری روانی.
۲. غوالی؛ مفرد: غالبه؛ ادویه مرکبه طیبیه الررائحه را گویند و اصل آن مرکب از مشک و کافور و روغن بان و حصی لبان و عرق‌های خوشبو است. به حسب احوال عود و سک و رامک و موم و لادن و امثال اینها اضافه نمایند (قرابادین کبیر).
۳. ند: در عربی بخوری باشد مرکب از عنبر و مشک و عود و بوی آن مقوی دل است و دافع سموم و به فارسی کشته گویند (برهان قاطع).
۴. مخمر: تغییر ماهیت‌دهنده (اختیارات بدیعی).
۵. ذرایر؛ مفرد: ذریره؛ بوی خوشی یعنی عطری است. دوائی است گیاهی (دهخدا، ذیل واژه). ذور؛ دارویی که به عضو بپاشند، نوعی از بوی خوش (اختیارات بدیعی).

مقاله خارج است اما بر اساس مشاهدات در جستارهای رسائل احجار به نظر می‌رسد برخی خواص سنگ‌ها که غیر قابل تفسیر می‌باشند در منابع کهن به ارتباط با سیارات و افازة فیض از جانب آنان منسوبند. همچنان‌که در کتاب نفایس‌الغنون فی عرایس‌العیون (۲۱) و کنوز‌المعزمین (۲۲) به تفسیر آن پرداخته شده است. خوارزمی نیز در فصل دوم از مفاتیح‌العلوم به گوهرهایی می‌پردازد که در صناعت کیمیا کاربرد دارند و حجر مربوط به هر کوکب را معرفی می‌کند (۲۳). در عرایس‌الجواهر نیز در مورد زمرد آمده است؛ «هرکه زمرد با خود دارد خواب بد نبیند و قوت دل دهد و بسیار نگرستن درو نور بصر را زیادت کند» (۱۲).

مقاله سوم که به بیان اصول فلزات سبعة و طریقه حدوث و صدور آن می‌پردازد از باب طبی با دو رویکرد قابل بررسی و ارزیابی است.

۳-۴. صریحاً به اثر درمانگری آن اشاره نموده چون زر سرخ: «زر مصول^۲ محلول را در مفرحات مستعمل است. مره سودا را دفع کند و دل را قوت دهد و روح حیوانی را مدد کند ... و اگر زر خلاصی تمام عیار بی‌غش در وقت گداختن چون آن را در سبیکه ریزند بر روی او جرمی ارضی پیدا شود مثل صفائح ... آن جوهر را قلمیای زر گویند و آن از جمله ادویه شریف‌تر و عزیزالوجودست و در داروهای چشم خاصیتی بزرگ دارد و هیچ دارو قائم مقام او نیست» (۱۲).

۳-۵. رویکرد دیگر کاربرد فلزات به انحاء مختلف تعویذی - طلسمی است که می‌توان آن را مانع از ایجاد بیماری برشمرد. همچنان است خارصینی که در ذکر خواص آن گفته‌اند: «در زاولستان سنگی است مثل مرداسنگ، لونش سیاه زردفام. آن را می‌گدازند و در قالب‌ها می‌ریزند و از آن تعاویذ و موی‌بندها کنند» (۱۲) و در معرفت آهن چینی که از آن جرس معابد ساخته می‌شود آورده است: «در تنجیمات آورده‌اند که آهن

دوم مقاله به سنگ‌های کم‌بها تر و در دسترس و نیز بیان خواص طبی آنها پرداخته شده است.

تقریباً در معرفی تمام موارد به روشنی به خواص درمانی و خواص تعویذی اشاره نموده و در توصیف و چگونگی روش درمانی احجار از توضیح طبایع به روش منطقی و ارتباط آن در اسلوب درمان بیماری سود جسته است. به‌طور کلی در مبحث درمانگری می‌توان با سه رویکرد به موضوع پرداخت:

۱-۳. اولین رویکرد که صریحاً به آن اشاره می‌شود راهکارهای درمانی متذکر در کتب قدیمه است. به طور مثال در مورد جواهر یاقوت سرخ آورده است: «حمزه اصفهانی آورده است که فارسیان یاقوت را «سح اسبور» گفته‌اند یعنی دافع علت طاعون^۱ (۱۲). «و در معاجین مضرت زهرها دفع کند و در داروهای چشم روشنایی بیفزاید و صحت نگاه دارد ... هرکه یاقوت سرخ با خود دارد از علت طاعون و فساد و وبا ایمن باشد» (۱۲).

۲-۳. رویکرد دوم نیز که در خواص تعداد بی‌شماری از احجار ذکر شده نقش تعویذی و یا باورهای عامه است. در باورهای کهن قدما علل بسیاری از بیماری‌ها را ناشی از چشم‌زخم پنداشته‌اند از آن جهت با طب متقارن گشته، بنابراین برای درمان «افسون‌هایی برای دفع چشم‌زخم یا چشم بد وجود داشته است» (۲۰). در عرایس‌الجواهر نیز به موارد بسیاری در دوری از چشم‌زخم اشاره شده؛ به‌طور مثال در معرفت و خواص بسد (مرجان) آورده است: «اگر به کودکان بندگان رفع چشم‌زخم کند» (۱۲).

۳-۳. رویکرد سوم بیان خاصیتی است که نه طبی و نه جادویی است بلکه می‌توان خاصیتی به ظاهر طبی - جادویی را برای آنها در نظر گرفت. توجیه این مقوله از مباحث این

۱. بیرونی گوید: لقب آن نزد فارسیان «سبح اسمور؟» است یعنی دافع الطاعون (دهخدا، ذیل واژه)، نیز نک: فرخ‌نامه، نزهت‌نامه علائی و نفایس‌الغنون فی عرایس‌العیون.

۲. مصول؛ آنچه در سوختن به خاکستر مبدل نشود، نیمسوز (اختیارات بدیعی).

چینی به نفس خود حرزی است ... از آن خواتیم مختلف سازند که ایشان را خواص بسیار باشد» (۱۲).

۵. اطایب در عرایس الجواهر

نسخه «عرایس الجواهر و نفایس الاطایب» برخلاف بسیاری از رسالات کهن، به دلایل اشاره شده التفاتی به جنبه درمانی عطرها نداشته است. در قسم دوم رساله، مؤلف عرایس الجواهر برخلاف قسم نخست بدون کمترین توجهی به مباحث طبی آن را به اتمام رسانده است. با وجود اینکه عطرها همواره در تاریخ درمانگری نقش به سزایی داشته‌اند و داروهای معطر یا افایوه^۲ قسمی از کتب طبی موثق را تشکیل داده‌اند، در رساله عرایس الجواهر چندان به جنبه درمان‌شناسی آن توجه نشده است. از پیشینه‌ای که از نویسنده مذکور است کمترین ارتباطی با پزشکی نداشته و در تاریخ‌نگاری و کاشیگری تبحری داشته، بنابراین نمی‌توانسته دخل و تصرفی از جنبه طبی بر موضوع داشته باشد. ضمن اینکه همان‌طور که گفته شد وی احتمالاً مطالب کتاب را از منابع دیگری گزارش نموده که پیش از این نقل شد. اما تلویحاً به صورت مختصر به چند مورد طبی اشاره شده است. به طور مثال در بیان کاربرد روغن بنفشه صرفاً به معرفی انواع بسنده و آورده است: «یکی از ادویه و استسفا بدو و دوم از بهر تمزیج ادهان به او» (۱۲) و همچنین است در خصوص سپیداب اسرب.

۶. خاتمه: کاشیگری

از گفتمان مشترک رساله عرایس الجواهر با کتب طبی، شیوه تکلیس^۳ یا کشته‌سازی است. تکلیس موادی که در بدن انسان، هضم و جذب نمی‌شوند یا مضر هستند قابل هضم و جذب نموده و یا آثار زیانبار آنها را حذف می‌کند. موادی که

۴. تناسب رویکردهای طبی و تعویذی با کاربرد احجار

کاربرد سنگ‌ها در باب نحوه استعمال طبی آن در کتاب عرایس از نکات جالب و ناظر بر رویکردهای مذکور است. روش‌های کاربرد سنگ‌ها در طب نه به زعم مردمان تنها تناولی است بلکه روش‌های متعدد و جالب توجه حاکی از حاکمیت علم منطق بر طب است. همجواری، همراه داشتن، طلی^۱ نمودن، خوراک و موضعی نمونه‌ای از نحوه استعمال آنهاست. برای نمونه همجواری برخی سنگ‌ها با ناحیتی خاص از بدن به سبب درمان امراض تأکید گردیده؛ «یشب را با معده خاصیتی تمام است تا به حدی که اگر کسی قلاده از یشب در گردن اندازد چنانچ یشب برابر معده او باشد معده او قوی شود و از رنج و ضعف معده امین باشد» (۱۲). یا در خاصیت همراه داشتن سنگ‌ها چنانچه در مورد زمرد گفته است: «در قدیم بر اولاد ملوک می‌بسته‌اند تا در کبر از علت صرع امن باشد» (۱۲). یا چون بلور؛ «هرکه با خود دارد از درد دندان ایمن باشد» (۱۲). روش دیگر، ترکیب و طلی نمودن سنگ‌هاست: «چون با سنگ فیروزه از مس نقطه‌های خرد آمیخته باشد از آن جنس فیروزه چون با سرمه بیامیزند چشم را به غایت نافع بود و بصر را جلا و تیز گرداند» (۱۲). یا «چون [حجر لاجورد] بر برگ چشم طلی کنند مژه برویاند» (۱۲). نوع بسیار رایج که در طب تجویز می‌گردد خوراک به صورت سوده یا تکلیس است؛ چون: «خاصیت او [حجرالیهود] آن است کی سنگ مثانه را به زیر آید و خون معده باز دارد اما به معده سخت مضر باشد» (۱۲). انواع دیگر همچون داروهای رایج به صورت مرهم بر زخم و جای گزیدگی در کتاب به وفور به چشم می‌خورد؛ حجر پادزهر «بر موضع زخم گزیدن جانوران زیانکار و ریش‌های کهنه نافع بود» (۱۲).

۲. داروهای خوشبو که طیب با آن بیماران را معالجه می‌کند (دهخدا ذیل واژه)

۳. هر آنچه که قابل ساییدن نباشد و با حرارات بتوان کاری کرد تا قابل ساییدن باشد (مخزن‌الادویه) آهک کردن به وسیله سوزاندن (اختیارات بدیعی) نزد اطباء آن است که چیزی را در آتش به درجه‌ای رسانند که همچو آهک شود (ذیل واژه، دهخدا از بحرالجمهر و کشف اصطلاحات فنون)

۱. طلی؛ طلا؛ آنچه به عضو مالند. (اختیارات بدیعی).

خاصی در استعمال دارد که بر همین اساس مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر روش‌های استعمال احجار و اطایب انتسابی با عملکرد آن دارد. شیوه‌های متفاوتی چون خوردن، بوییدن، آغشتن، همراه داشتن و همجواری پیوسته با خاصیت هریک آنهاست. به‌طور مثال استفاده از برخی احجار به عنوان زیوری رؤیت‌پذیر کاربردی درمانی و یا تعویذی داشته است.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی برای نویسندگان وجود ندارد.

کشته‌سازی می‌شوند در سه دسته؛ فلزات، معدنی‌جات غیرفلزی و اجزای حیوانی قرار دارند. برای این کار از عصاره‌های گیاهی مختلف استفاده شده، سپس فلز سخت را با حرارت و واکنش‌های شیمیایی تبدیل به پودری برای جذب در روده‌ها می‌کنند. این فن از فنون بسیار مستعمل در کاشیگری نیز می‌باشد. جوهری نیشابوری در فصل خاتمه کتاب جواهرنامه نظامی که در باب مینا نقل شده به ذکر ۲۶ مورد فرمول مینای زرین‌فام اشاره نموده و در بیان ترکیب نوع تلاوچی که لون آن مانند زر باشد از روش کشته‌سازی یا تکلیس یاد کرده است؛ «بگیرند زنجفر (سولفات جیوه) چهار درم و برنج محرق (آلیاژ مس و روی تکلیس شده) یک درم، ...» (۲۵). در عرایس‌الجواهر نیز ۳ بار در قسم نخست کتاب به واژه تکلیس و کلس اشاره گردیده و آورده است؛ «و اصحاب صناعت اکسیر به طریق صنایع املاح می‌کنند و هر چیز که آن را تکلیس کنند به ضرورت درو ملوحتی پیدا شود» (۱۲). اگرچه این فناوری کهن در صنعت جدید شناخته شده اما پیش از آن در کتب معتبر و مشهوری چون ذخیره خوارزمشاهی و اختیارات بدیعی و دیگران ملزومی در تهیه داروهای طب سنتی بوده است.

نتیجه‌گیری

در نخستین سال‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی کتب و رسائل ارزشمندی ترجمه، تدوین و استنساخ شد تا در قرون بعدی منبعی جهت استفاده دانشمندان مسلمان قرار گیرد. عرایس‌الجواهر یکی از رسالات ارزشمندی است که اگرچه خاص گوهرشناسان و عطاران بوده اما مقولات طبی معتنابه و عدیده‌ای در آن به چشم می‌خورد که بر اساس توصیف شالوده‌های طب سنتی چون طبایع و عناصر اربعه تبیین و تشریح گردیده است. بر اساس مباحث رساله می‌توان سه مواجهه طبی را برشمرد؛ اثر درمانگری اجسام، باورهای عامیانه طبی و طبی - جادویی. نکته قابل توجه تناسب کاربرد اجسام با کارکرد آنهاست. هر شیء بنا به رویکردهای مذکور سیاق

References

1. Kashani AA. *Arais al-Jawahir wa Nafais al-Atayyib*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Al-Moei; 2007(1385). Introduction. [In Persian]
2. Farighun Sh. *Jama'at al-Uloom*. Photo printing of the manuscript of the Topkapi Palace Library in Istanbul. Frankfurt: Ahmad Sales Collection No 2768; 1985(1405). 144. [In Arabic]
3. GHasemloo F. *Jawahernameh*. *Islamic World Encyclopedia*. Tehran: 2015(1393). 11 [In Persian]. Access Site: <https://rch.ac.ir/article/Details/7628>. [Cited 09/22/2020]
4. Farkhondehzadeh M. Dehghan M. *Stone therapy in Iranian-Islamic medicine: A review study*. *Traditional Medicine of Islam and Iran*. 2018(1397); 9(4): 347-360. [In Persian]
5. Pitman, V. *Aromatherapy a Practical Approach*. Cheltenham: Nelson Thornes publisher; 2004(1382). XV, 122. [In English]
6. Apollonius of Tyana. *The secret of creation and the creation of nature*. Edited by Ursula Weiser. Hālab: Arabic Science Heritage Institute; 1979(1399). 223-307. [In Arabic]
7. Ruska J. *Greek representations of planets in Arabic stone books*. Heidelberg: Carl Winter's Universitätsbuchhandlung; 1919(1297). 235, 268. [In German]
8. Amini H. *Jawahernameh*. *Islamic World Encyclopedia*. Tehran: 2007(1386). 18: 675. [In Persian]
9. Gorbannejad P. Ayyari A. *The survey of medical scribes in the "Safinehy e Tabriz"*. *Medical History Journal*. 2017(1395); 9(32): 19-29. [In Persian]
10. Afshar I. *Jawahernameh Nezami, Source of Tansukhnameh and Arayes al-Jawaher*. *Yaghma*. 1971(1349); 24(1): 42-43. [In Persian]
11. Afshar I. *Jawahernameh Nezami*. *Islamic World Encyclopedia*. Tehran: 2015(1393). 11. [In Persian]
Access Site: <https://rch.ac.ir/article/Details/7629>. [Cited 20/22/2020]
12. Kashani AA. *Arais al-Jawahir va Nafais al-Atayyib*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Al-Moei; 2007(1385). 23, 25, 28, 36, 145, 55, 216, 217, 240, 241, 139, 141, 73, 173, 168, 149, 316, 16. [In Persian]
13. Bal'ami M. *Tarikh-e Bal'ami*. Corrected by Mohammad Parvin gonabadi. Tehran: Zavvar; 2001(1379). 88. [In Persian]
14. Danesh Pajouh MT. *Two treatises on perfume recognition*. *Farhang-e Iran Zamin*. 1968(1346); 15: 222-253. [In Persian]
15. Keramati Y. Qousi M. *On the attribution and title of Arabic treatises on perfumes from the fourth century AH*. *History of Science*. 2015(1393); 13(2): 189-211. [In Persian]
16. Alijaniha F. Ghafari F. Naseri M. Asghari M. *The use of olfactory drugs in the prevention and treatment of disease from the perspective of traditional Iranian medicine*. *Medical History Journal*. 2014(1392); 5(14): 67-77. [In Persian]
17. Danesh Pajouh MT. *Atrnameh Alaei*. *Farhang-e Iran Zamin*. 1968(1346); 15: 254, 276. [In Persian]
18. Mozaffarpur A. Khodadust M. Shirafkan H. Yousefi M. Mirzapor M. *Introducing a model for prioritization of drugs, based on Iranian Traditional Medicine references*. *Medical History Journal*. 2014(1392); 6(19): 11-28. [In Persian]
19. Montaseb Mojabi H. *A Survey on Shiite's Traditional Medical Documents: A Historical Approach*. Kermanshah: Razi University; 2006(1384). 223. [In Persian]
20. Najmabadi M. *Medical History of Iran (Pre-Islamic)*. Tehran: University Tehran; 1992(1370). 1: 116. [In Persian]
21. Amoli M. *Nafayesol fonon fe arayesel oyon*. Corrected by Haj mirza abolhasan she'rani. Tehran: Islameyyeh Publication; 2002(1380). 204, 295. [In Persian]
22. Ibn Sina HA. *Kenos al-Mu'azim*. Corrected and Explained by Homayi Jalaluddin. Terhran: National Publications Association series of publications; 1952(1330). 20. [In Persian]
23. Kharazmi MA. *Mafatih al-Ulum*. Translated by Hossein Khadivjam. Tehran: Elmi farhangi publications; 2010(1388). 258-263. [In Persian]
24. Fattahi MM. *Ashnaei ba 36 maktab darmani*. Tehran: Marze Danesh; 2017(1395). 15, 63, 66. [In Persian]
25. Johari Neyshabouri M. *Jawahernameh Nezami*. Tehran: published by Iraj Afshar in collaboration with Mohammad Rasool Darya Gasht. 2004(1382). 354. [In Persian]



ORIGINAL ARTICLE

The Introduction and Review of the Treatise "Arais al Jawahir VA Nafais al-Atayyib" from the Viewpoint of Traditional Medicine

Seyyede Maryam Poursaleh Amiri^{1*} 

1. Ph.D. Student, Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of theories and art studies, Tehran Art University.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 29 September 2020

Accepted: 23 December 2020

Published online: 11 February 2021

Keywords:

Arais al Jawahir

stones

Perfumes

traditional medicine

folk medicine beliefs

ABSTRACT

Background and Aim: The "Treatise of Arais al-Jawahir va Nafais al-Atayyib" is a valuable treatise from the seventh century; AH has gained a considerable reputation among the scientific and technological treatises of its time. This treatise deals with stones, medicine, and tiling and contains various topics that differentiate from medical treatises. Given the importance of this issue and the lack of attention to the treatise's medical aspects, this study aims to introduce, analyze, infer, and classify medicine's generalities from this treatise.

Materials and Methods: This study has used the library and documentary method to compare the "Arais" treatise with the most important stones and perfumes treatises, which were written before analyzing each section and inferred the findings.

Findings: In both types of treatises, after introducing and mentioning the characteristics of stones and Perfumes, the medical properties are expressed based on the philosophy of nature and logic, which is the basis of traditional medicine. Folk medical beliefs are also a significant part of this treatise.

Conclusion: According to the treatise's topics, three medical approaches can be understood based on evidence from the "Arais al-Jawahir" prescription; these three approaches are Healing based on traditional medicine, folk medicine beliefs, and the Therapeutic magical properties of stones, metals, and Perfumes. The coordination of these approaches using stones is another result of this research.

* Corresponding Author: Seyyede Maryam Poursaleh Amiri

Postal Address: National Museum of the History of Medical Sciences, Pardis of Tehran University, 16th Street, Kargar Street, Tehran, Iran

Email: Maryamamiri867@gmail.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Poursaleh Amiri S M. The Introduction and Review of the Treatise "Arais al Jawahir VA Nafais al-Atayyib" from the Viewpoint of Traditional Medicine. Medical History Journal 2021; 13(46): e4.